

درآمدی به بزه‌دیده‌شناسی*

(از سرزنش بزه‌دیده تا حمایت از بزه‌دیده)

یان جی. ام. وان دیک**

ترجمه و تلخیص: دکتر مهرداد رایجیان اصلی***

پیش‌گفتار مترجم

اصطلاح «victimology» یکی از مفاهیمی است که درباره معنای آن میان دانشمندان علوم اجتماعی (از جمله: جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان)

* Jan J. M. van Dijk, 'Introducing Victimology', in Jan J.M. van Dijk, Ron G.H. van Kaam and JoAnne Wemmers (eds.), *Caring for Crime Victims: Selected Proceedings of the Ninth International Symposium on Victimology*, Criminal Justice Press, Monsey, New York, USA, 1999, pp. 1-8.

** استاد جرم‌شناسی دانشگاه لیدن هلند، و از آگوست ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۰، رئیس جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی. رئیس کنونی این جامعه جان پی. جی. دوسچ، جرم‌شناس آمریکایی، است (م).
*** دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی، و مدرس دانشگاه.

همواره بحث می‌شود. خاستگاه این مباحثه‌ها اغلب به این اختلاف نظر اساسی بازمی‌گردد که چه کسی برای نخستین بار این اصطلاح را به کار برده و چه معنایی از آن را در نظر داشته‌است؟^۱ در این میان، از آن جا که جرم‌شناسان بیشترین سهم را در رواج دادن این اصطلاح به منزله یک حوزه مطالعاتی خاص داشته‌اند، نظر غالب این است که اصطلاح مذکور در اصل به حوزه مطالعاتی خاصی برای بررسی رابطه میان قربانی جرم و بزه‌کار بازمی‌گردد که از دهه هفتاد میلادی به حوزه وسیع‌تری فراتر از قربانیان جرم (به‌ویژه به قلمرو قربانیان نقض‌های حقوق بشری) نیز گسترانده شده‌است. بدین سان، می‌توان گفت که این اصطلاح (چه از دیدگاه علمی-تجربی برای مطالعه نقش قربانی جرم در فرایند شکل‌گیری پدیده مجرمانه و چه از نظرگاه سیاسی برای تحقیق درباره حمایت از قربانیان نقض‌های حقوق بشری) به حوزه مشخصی محدود است (یا باید محدود باشد)؛ از جمله: در چارچوب حقوق کیفری ملی، به مطالعه قربانیان جرم‌های متداول^۲ می‌پردازد و بر پایه حقوق بین‌المللی کیفری نیز آن دسته قربانیان نقض‌های حقوق بشری را مطالعه می‌کند که آن نقض‌ها اغلب به منزله جنایت‌های بین‌المللی جرم‌انگاری شده‌اند. از این رو، در نوشتگان پارسی علوم جنایی، همسو با مصوبه نخستین فرهنگستان ایران در آخرین دفتر از واژه‌های نو (۱۳۱۹-۱۳۱۴)، که واژه «بزه‌دیده» را به منزله برابر نهاده «مجنی‌علیه» (یا همان قربانی جرم) به کار برده‌است،^۳ این اصطلاح را (خواه به منزله یک حوزه مطالعاتی

۱ - برای نمونه، درباره این مباحثه‌ها در ایران، بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، غلامی، حسین؛ و محمودی، فیروز، *عدالت برای بزه‌دیدگان* [میزگرد]، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴، صص. ۱۰-۲۶ (م).

2 - Conventional/ Common crime.

۳ - توجهی، عبدالعلی، (۱۳۷۷). *جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران*، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷، ص. ۲۱.

وابسته^۱ به جرم‌شناسی و خواه به منزله یک رشته مطالعاتی نیمه مستقل^۲ می‌توان به معنای «بزه‌دیده‌شناسی» به‌کار برد.

«درآمدی به بزه‌دیده‌شناسی» عنوان مقاله یان. جی. ام. وان دیک - جرم‌شناس هلندی و یکی از نام‌دارترین نظریه‌پردازان بزه‌دیده‌شناسی - است که آن را به نهمین سمپوزیوم «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» در سال ۱۹۹۷ ارایه کرد و سپس در مجموعه سخنرانی‌ها و مقاله‌های سمپوزیوم در سال ۱۹۹۹ به چاپ رساند. «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» فعال‌ترین و مهم‌ترین سازمان بین‌المللی غیردولتی در زمینه بزه‌دیدگان و بزه‌دیده‌شناسی است که هر سه سال یک بار به برگزاری سمپوزیومی بین‌المللی می‌پردازد. وان دیک، که هم‌زمان با برگزاری سمپوزیوم نهم در آمستردام، ریاست «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» را نیز برعهده داشت، در این مقاله تلاش می‌کند تا با بررسی سیر تحول بزه‌دیده‌شناسی - از آغاز دهه چهل میلادی تا دهه پایانی سده بیستم - نشان دهد که بزه‌دیده‌شناسی به تدریج به سوی استقلال از جرم‌شناسی به منزله رشته‌ای مطالعاتی نزدیک‌تر می‌شود. وی از نخستین کسانی است که با معرفی یک گونه‌شناسی دوگانه، این حوزه مطالعاتی خاص را به دو شاخه اصلی بخش می‌کند: «قربانی‌شناسی کیفری» (که در نوشتگان تخصصی پارسی، بزه‌دیده‌شناسی خوانده می‌شود)،^۳ جریان اصلی یا نخستین این دانش را شکل می‌دهد که بر پایه نظریه «تقش شتاب دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده در ارتکاب جرم» نمایانگر مرحله‌ای در سیر تحول بزه‌دیده‌شناسی ست که دوره

1 - Sub-discipline

2 - Semi-discipline

۳ - با وجود این، در متن مقاله برای پابندی به اصطلاح ابتک اری نویسنده، «قربانی‌شناسی کیفری» ترجمه شده است (م.).

سرزنش بزه‌دیده^۱ نامیده شده است. «قربانی‌شناسی عمومی»، در مقابل، به منزله رویکرد دوم به این دانش، رشته‌ای است که با گستراندن تعریف قربانی،^۲ قلمرو این دانش را به همه قربانیان (حتا قربانیان رویدادهای طبیعی) نیز تعمیم می‌دهد. ولی، از آن جا که وان دیک خود نیز جرم‌شناس است، مفهوم نوآورانه دیگری به نام «بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور» را معرفی می‌کند که با اثرپذیری از جنبش اجتماعی «حمایت از بزه‌دیده»،^۳ و با تأکید بر مفاهیم «حقوق بشر و سوء استفاده از قدرت»، سرانجام به قربانیان سوء استفاده‌های مجرمانه از قدرت یا همان بزه‌دیدگان جرم‌های بین‌المللی پیوند می‌خورد.

مقاله وان دیک، اگرچه از «درآمدی به بزه‌دیده‌شناسی» فراتر نمی‌رود، نمایانگر واقعیتی است که از آغاز برپایی «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» (۱۹۷۹) و نخستین سمپوزیوم بین‌المللی (۱۹۷۳) همواره دغدغه دانشوران و شرکت‌کنندگان درگیر با این مسأله بوده است؛ یعنی این پرسش اساسی که موضوع این دانش چیست (یا چه باید باشد؟) و این که آیا می‌توان آن را به منزله یک رشته مطالعاتی مستقل از جرم‌شناسی تعریف کرد یا خیر؟

* * *

نهمین سمپوزیوم جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی^۴ از ۲۵ تا ۲۹ آگوست ۱۹۹۷ در دانشگاه آزاد آمستردام برگزار شد. موضوع اصلی این سمپوزیوم «حمایت از

1 - victim blaming.

2 - Victim.

3 - victim advocacy.

4 - World Society of Victimology (WSW)

بزه‌دیدگان: نقش جامعه و متخصصان»^۱ بود. این مقاله درآمدی است مختصر به تاریخچه بزه‌دیده‌شناسی که در پی مطرح شدن این فن یا هنر در برنامه علمی سمپوزیوم نهم نوشته شده است.

بزه‌دیده‌شناسی:^۲ پنجاه سال پیوسته

قربانی‌شناسی کیفری^۳

بزه‌دیده‌شناسی، یا مطالعه بزه‌دیدگی، حوزه‌ای علمی است که از حدود دهه هفتاد میلادی برای تبدیل شدن به یک رشته مطالعاتی مستقل خیز گرفته است [دراپکین، ویانو، ۱۹۷۴]. پیش از آن، جرم‌شناس آلمانی، فون هنتیگ^۴ و حقوقدان رومانیایی، مندلسون^۵، به منزله پیشگامان بزه‌دیده‌شناسی شناخته می‌شدند [۱۹۹۸]. در سال ۱۹۴۱، فون هنتیگ مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات درباره تعامل میان بزهکار و بزه‌دیده» منتشر کرد [فون هنتیگ، ۱۹۴۱]. وی سپس کتابی با موضوع جرم‌شناسی به نام «بزهکار و قربانی او» به چاپ رساند و در آن، فصلی را به بزه‌دیده اختصاص داد [فون هنتیگ، ۱۹۴۸]. او بزه‌دیده را یکی از کنشگران جرم می‌پنداشت. به باور هنتیگ، بزه‌دیدگان بر پایه نوع نقشی که در عمل مجرمانه

1 - Caring for victims: the role of the community and the professions

۲ - در این مقاله، اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی به منزله برابر نهاد «victimology» ترجمه شده است. ولی، هر گاه که مفهوم مورد نظر نویسنده، میان دو اصطلاح «بزه‌دیده‌شناسی» و «قربانی‌شناسی» در نوسان بوده، واژه انگلیسی ترجمه نشده است. البته، نویسنده زمانی که در یک گونه‌شناسی دوگانه، قربانی‌شناسی کیفری را از قربانی‌شناسی عمومی جدا کرده، خود نیز به اصطلاح «victimology» بسنده کرده است (م.).

3 - Penal victimology.

4 - Von Hentig.

5 - Mendelsohn.

داشتند، دسته‌بندی می‌شدند. در روزگار او، چنین تصور می‌شد که مطالعه نقش بزه‌دیده می‌تواند به پیشگیری بهتر از جرم بینجامد.

در سال ۱۹۴۷، مندلسون مقاله‌ای به زبان فرانسه به کنگره‌ای در بخارست رومانی ارائه نمود که در آن، اصطلاح «بزه‌دیده‌شناسی» را وضع کرد [بنگرید به: هافمن، ۱۹۹۲].^۱ مندلسون، مانند هنتیک، به نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده^۲ (برای نمونه، از گذر تحریک) در جرم‌های خشونت‌بار توجه می‌کرد. در نظر مندلسون، که در واقع یک وکیل مدافع بود، نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده یکی از کیفیات تخفیف‌دهنده کیفر بزه‌کار است.^۳

کتاب اس. شافر^۴ با عنوان «بزه‌دیده و بزه‌کار او: مطالعه‌ای درباره مسئولیت کارکردی»^۵ در سال ۱۹۶۸، پیشرفت چشمگیری در بزه‌دیده‌شناسی، به منزله

۱ - البته، به گفته عزت فتاح، جرم‌شناس کانادایی، لیرد ریک ورتام، روان‌پزشک کانادایی، مدعی است که این اصطلاح را وضع کرده‌است (م). بنگرید به:

Fattah, E., Victims and Victimology: the Facts and the Rhetoric, in E. Fattah (ed.), *Towards a Critical Victimology* (New York: Macmillan), 1992, pp. 29-56.

2 - Victim precipitation

در مورد این نظریه، بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد. بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی. *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴، ص. ۸۸.

۳ - برای نمونه، می‌توان از بند ۲ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نام برد که اوضاع و احوال خاصی را که بزه‌کار با تأثیر از آن‌ها مرتکب جرم شده‌است (از جمله، رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده)، یکی از کیفیات تخفیف‌دهنده کیفر در نظر گرفته است. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد، *بزه‌دیده در فرایند کیفری*، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۸ (م).

4 - S. Schafer

۵ - functional responsibility: مسئولیت کارکردی در نظر شافر، یعنی افراد در جامعه دارای نقشی کارکردی در جلوگیری از گزینشی هستند که به خطا و تجاوز می‌آن‌جامد و در این میان، نقش بزه‌دیده جلوگیری از بزه‌دیدگی خود است. بر این پایه، شافر نیز غفلت و نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده را در ایجاد یا آن‌جام جرم مؤثر می‌داند. بنگرید به:

Schafer, S., *The victim and his criminal: A study in functional responsibility* (New York: Randon House), 1964 / 1968, p. 152.

حوزه‌ای مطالعاتی، به شمار می‌رود. هم‌چنان که عنوان کتاب او، که‌الهامی از عنوان کتاب هنتیک است، نشان می‌دهد، بزه‌دیده موضوع اصلی این اثر است. شافر بزه‌دیده‌شناسی را مطالعه مستقل روابط و تعامل‌های میان بزه‌کار و بزه‌دیده، پیش از رخداد جرم، در جریان رخداد جرم و پس از آن، معرفی می‌کند.

افزون بر نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده در رخداد عمل مجرمانه، تعهد بزه‌کار به جبران خسارت بزه‌دیده، هم‌اکنون، بخشی از این موضوع شمرده می‌شود. آثار جرم‌شناس هلندی، ناگل^۱، در زمینه جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناختی در این دیدگاه نقش داشته‌اند [ناگل، ۱۹۵۳؛ ناگل، ۱۹۶۳]. همانند دیگر پیشگامان بزه‌دیده‌شناسی، از یک بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا^۲ سخن می‌رانند. او به‌ویژه به رابطه میان بزه‌کار و بزه‌دیده پس از ارتکاب جرم توجه داشت. به باور او، نظام عدالت جنایی باید به سوی ضرورت جبران از گذر بزه‌کار، سزادهی به سود بزه‌دیده و نیاز مشترک آن‌ها به سازش جهت پیدا کند.

فتاح، جرم‌شناس کانادایی را که در سال ۱۹۷۱ کتابی با عنوان «آیا بزه‌دیده باید سرزنش شود؟» منتشر کرد (و یکی از سخنرانان سمپوزیوم آمستردام بود)، نیز می‌توان به منزله نسل نخست قربانی‌شناسان کیفری در نظر گرفت [هم‌چنین، بنگرید به: فتاح، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲].

این پیشگامان همگی حقوق‌دانان کیفری و یا جرم‌شناس بودند و گرایش مطالعاتی آن‌ها بزه‌دیده به منزله شخصیت کلیدی در فرایند منجر به اعمال مجرمانه یا فرایند برخاسته از آن بود. تلاش برای مطالعه نقش بزه‌دیده، به منزله عامل شتاب‌دهنده یا اثرگذار در جرم، در مطالعات تجربی **ولفگانگ** [۱۹۵۸] و، پس از او، **امیر** [۱۹۷۱] در زمینه تجاوز جنسی، ادامه یافت. مفهوم کلیدی در این

1 - Nagel.

2 - interactionist victimology.

مطالعات همان اصطلاح نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده به منزله مفهومی خنثا و غیر حقوقی است که می‌تواند به تبیین رخداد اعمال مجرمانه کمک کند. گرایش این نخستین بزه‌دیده‌شناسان امروزه نیز به منزله یکی از جریان‌های اصلی بزه‌دیده‌شناسی ادامه یافته‌است. این جریان که می‌توان آن را «قربانی‌شناسی کیفری» [بزه‌دیده‌شناسی] نامید، در برابر «قربانی‌شناسی عمومی»^۱ قرار می‌گیرد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. در نظر پشتیبانان قربانی‌شناسی کیفری، قلمرو این گرایش مطالعاتی را حقوق کیفری تعیین می‌کند: [به سخن دیگر]، قربانی‌شناسی کیفری قربانیان رخدادهایی را که در قانون جرم‌انگاری می‌شوند، مطالعه می‌کند. الگوی تحقیقی این جریان بزه‌دیده‌شناسانه از مسایل مربوط به علت‌شناسی جرم و نقش بزه‌دیده در رخدادهای مجرمانه تشکیل می‌شود. قربانی‌شناسی کیفری به تعامل پویای میان بزه‌دیده و بزه‌کار توجه می‌کند. [به همین دلیل]، نام مناسب دیگری را که می‌توان برای این گرایش برگزید، بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا است.

سرزنش بزه‌دیده

مهم‌ترین انتقاد وارد بر قربانی‌شناسی کیفری یا بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا این است که بزه‌دیدگان را به دلیل بخت و سرنوشت‌شان سرزنش می‌کند. از دیدگاه تاریخی، نمی‌توان انکار کرد که مندلسون در نخستین مطالعات خود به دخالت بزه‌دیده به منظور رفع تقصیر از بزه‌کار و دگرگون ساختن نقش تقصیر بر بزه‌دیده توجه داشت.^۲ در آثار بعدی مندلسون و دیگر نویسندگان، دخالت بزه‌دیده در ارتکاب جرم به منظور تبیین پویایی‌های رفتار مجرمانه بدون توجه به تقصیر بزه‌دیده تحلیل شد. با وجود این، نمی‌توان انکار کرد که نویسندگان

1 - general victimology

۲ - مندلسون در مطالعات آغازین خود با اثرپذیری از زیگموند فروید، روان‌کاواثری، با او درباره مسایل جرم‌شناختی مکاتبه می‌کرد [هافمن، ۱۹۹۲]. مندلسون شاید از این اندیشه فروید اثر پذیرفته بود که بزه‌دیدگان ناآگاهانه خواهان بزه‌دیدگی‌شان به منزله ابزاری برای کاستن احساس گناه در بستر احساسات جنسی هستند.

دیگری هستند که ممکن است مفهوم نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده را به منظور سرزنش بزه‌دیده به کار ببرند.

این انتقاد را به روشن‌ترین وجه، پژوهشگران فمینیست (برای نمونه، با نقد مطالعات امیر درباره نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده در تجاوز جنسی) بر بزه‌دیده‌شناسی وارد ساختند. موضوع نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده در ارتباط با خشونت علیه زنان بسیار مهم و حساس است. این موضوع که بزه‌دیدگان با تحریک مردان بزه‌دیده‌ساز^۱ بزه‌دیدگی خود را موجب می‌شوند، و در واقع سزاوار بزه‌دیده شدن‌اند، بخشی از ذهنیت مردسالارانه‌ای است که در بسیاری از این جرم‌ها ریشه دارد. [در نتیجه، به باور فمینیست‌ها،] با تمرکز بر نقش و دخالت بزه‌دیده [در ارتکاب جرم،] توجه ذهن از علت‌های ساختاری خشونت علیه زنان منحرف می‌شود.

پژوهشگرانی که نقش بزه‌دیدگان در پویایی‌های منجر به جرم و نیز در تعارض قانونی پیامد آن را مطالعه می‌کنند، در اصل از عقاید فرق‌گذارنده‌ای درباره مجازات بزهکار دفاع می‌کنند. در برخی از موارد، بزه‌دیده ممکن است در واقع سهمی در تقصیر داشته باشد. [ولی،] در دیگر موارد، بزه‌دیده به سازش با بزهکار گرایش دارد. در قربانی‌شناسی کیفری، گرایشی ذاتی به راه‌حل‌های غیرتنبیهی (مانند میانجی‌گری) نسبت به رویدادهای مجرمانه وجود دارد که، دست‌کم از جهت نظری، هم بزه‌دیدگان و هم بزهکاران را توانمند می‌سازد.^۲ در

۱ - بزه‌دیده‌ساز یعنی شخصی که ایجادکننده و سبب بزه‌دیدگی است و از رفتار او شخص دیگری بزه‌دیده می‌شود. به سخن دیگر، می‌توان گفت که بزه‌دیده‌ساز ترجمان بزه‌دیده‌شناسانه اصطلاح مرتکب یا بزهکار در نوشتگان حقوق کیفری و جرم‌شناسی است. در مورد برگزیدن این اصطلاح بزه‌دیده‌شناختی، بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، ۱۳۸۴، ص. ۲۳.

۲ - برخی دیگر از جرم‌شناسان، مانند کارمین امریکایی، با دسته‌بندی بزه‌دیده‌شناسی به سه شاخه محافظه‌کار، لیبرال، و رادیکال-انتقادی، گرایش به راه‌حل‌های سازش‌جویانه را ویژگی شاخه لیبرال بزه‌دیده‌شناسی می‌دانند (م). بنگرید به:

Carrabine, Eamonn & Others, *Criminology: a sociological introduction*; London and New York: Routledge), 2004, p. 117.

نظر پیشگامان قربانی‌شناسی کیفری، بزه‌کاران و بزه‌دیدگان به طور برابر شایسته ملاحظات بشردوستانه‌اند. از آن‌جا که توجه به بزه‌کار با گرایش به بزه‌دیده ناسازگاری و تعارضی ندارند، از هر جهت این سنت [در قربانی‌شناسی کیفری] حفظ می‌شود. این بی‌طرفی (هرچند با توجه به جرم‌های ارتكابی در بستر نابرابری‌های ساختاری قدرت) شاید کم‌تر توجیه‌شدنی باشد. پژوهشگرانی که از یک دیدگاه مبتنی بر جنسیت - برابری به بزه‌دیده‌شناسی می‌رسند، بزه‌دیده‌شناسان جریان اصلی [یا همان رویکرد کیفری] را به طور کلی به مسایل مربوط به جنسیت و نابرابری‌های قدرت حساس‌تر ساخته‌اند [الیاس، ۱۹۸۵].

به نظر می‌رسد که بزه‌دیده‌شناسان نسل جدید، با تمرکز بر مسایل جنسیت، در یک جنبه مهم با پیشگامان قربانی‌شناسی کیفری هم‌داستان‌اند. بر پایه هر دو رویکرد، بزه‌دیدگان را نباید فقط از جهت پزشکی مطالعه کرد [زیرا] بزه‌دیدگی پدیده‌ای بالینی نیست. کلید شناخت بهتر مسایل بزه‌دیدگان این است که انسان دیگری به آن‌ها ستم کرده و احساس جریحه‌دار شده آن‌ها در مورد عدالت باید ترمیم شود. بزه‌دیدگان فقط نیازمند کمک درمانی نیستند، بلکه نیازمند عدالت‌اند.

قربانی‌شناسی عمومی^۱

جریان اصلی دیگری که در برابر قربانی‌شناسی کیفری قرار می‌گیرد، به طور معمول قربانی‌شناسی عمومی نامیده می‌شود. این گرایش را، همانند قربانی‌شناسی کیفری، نخست با توجه به آثار مندلسون می‌توان توصیف کرد. مندلسون در یکی از آثار خود در دوره پس از جنگ [جنگ جهانی دوم] از مطالعه کلی آن‌چه در آن زمان «قربانیت»^۲ می‌نامید، پشتیبانی کرد [مندلسون، ۱۹۵۶]. در نظر او، قربانیت را باید با پیشگیری [از قربانی شدن] و کمک به قربانیان کاهش داد. مندلسون در

1 - General victimology.

2 - Victimity.

نوشته‌های بعدی، خواستار ایجاد درمانگاه‌های قربانیان شد. [به باور او،] کمک به قربانیان باید بر پایه «نظریه توان‌بخشی»^۱ ویژه شخصی، اجتماعی و فرهنگی استوار باشد. [بدین‌سان،] گرایش مندلسون دیگر به جرم و پیشگیری از آن محدود نمی‌شد بلکه به کاهش و پیشگیری از قربانیت، در مفهومی گسترده، متکی بود. سوره‌های این مفهوم نه تنها بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، بلکه قربانیان دیگر رخدادها، رویدادهای طبیعی و دیگر اعمال منتسب به خداوند^۲ را باید دربرگیرند. او از ایجاد قربانی‌شناسی عمومی به منزله یک رشته مطالعاتی مستقل از جرم‌شناسی و حقوق کیفری پشتیبانی می‌کرد؛ رشته‌ای که به حکومت‌ها کمک می‌کند تا درد و رنج‌های بشری را کاهش دهند. این تعریف جدید را البته

1 - Rehabilitation theory

این اصطلاح در نوشته‌های علوم جنایی (و به‌طور دقیق‌تر، نوشتگان جرم‌شناختی-کیفرشناختی) ترجمان اندیشه‌اصلاح و درمان بزهکاران (reform and treatment) است که بر پایه نظریه‌ای به نام کاهش جرم (reductivism)، پیشگیری از جرم را در گرو بهبود رفتار و شخصیت بزهکار از گذر کیفر (با تأکید بر حبس) جستجو می‌کند. ولی، از آن‌جا که اصطلاح «rehabilitation» در بزه‌دیده‌شناسی به معنای دیگری برای بیان ترمیم آثار بزه‌دیدگی بزه‌دیده به کار می‌رود، واژه توان‌بخشی (و در برخی موارد، اعاده حیثیت بزه‌دیده) برای آن برگزیده شد. برای آگاهی بیشتر، درباره دو جنبه بزهکارمدار و بزه‌دیده‌مدار این اصطلاح، به ترتیب، بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد، رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیش‌گیری از جرم، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۹-۴۸، صص. ۱۴۱-۱۴۰؛ ۱۳۸۳، رایجیان اصلی، مهرداد، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، ص. ۷۰؛ رایجیان اصلی، مهرداد، «جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی ...» *مجله پژوهش‌های حقوقی* (مؤسسه شهر دانش)، شماره ۱۳، ۱۳۸۷، ص. ۳۳۰، پانویست ۴۶.

2 - Other acts of God

اشاره به عبارت «رویدادهای طبیعی و دیگر اعمال منسبت به خداوند» در متن می‌تواند از آگاهی نویسنده به دو دیدگاه دنیوی-این‌جهانی و الهی-مذهبی در این زمینه حکایت کند.

باید در بستر نقض‌های حقوق بشری رخ داده در جریان جنگ جهانی دوم، که مندلسون نیز از قربانیان آن بود، درک کرد.^۱

اگرچه مندلسون هرگز در ایجاد تدابیر مراقبتی برای بزه‌دیدگان نقشی نداشت، او را می‌توان پدر معنوی جنبش حمایت از بزه‌دیدگان به شمار آورد. از دهه هفتاد میلادی، بیش و کم در همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مقرراتی برای حمایت از بزه‌دیده وضع شدند و به سرعت گسترش یافتند (مگوناپر، گریب، ۱۹۸۷؛ رابرتس، ۱۹۹۰). در بسیاری از کشورها مقررات آیین دادرسی کیفری به منظور اعطای سهم و جایگاه بهتری به بزه‌دیدگان اصلاح و بازنگری شدند (جاستین، ۱۹۸۷). [بدین‌سان،] بزه‌دیده‌شناسان به مدافعان و پشتیبانان بزه‌دیده تبدیل شدند و بزه‌دیده‌شناسی از «بزه‌دیده‌شناسی عمل»^۲ به «بزه‌دیده‌شناسی اقدام»^۳ دگرگون شد.

همسو با این جنبش اصلاحات جهانی، پژوهش‌های بالینی درباره بزه‌دیدگان مصیبت‌دیده در طول سده بیستم گسترش پیدا کرد. مسأله اصلی در این زمینه آن بود که چگونه می‌توان به افراد در رویارویی با ضربه روانی آسیب‌زا کمک کرد و

۱ - البته، هم‌چنان که خودِ وان دیک نیز در سطرهای بعدی توضیح می‌دهد، از آن‌جا که بنیان اصلی این تعریف جدید جنایت‌کاری‌های ارتكابی جنگ جهانی دوم بود که در مفهومی کلی، جنایت‌های علیه بشریت نامیده می‌شوند، در این‌جا نیز می‌توان به یک بزه‌دیده‌شناسی نوین در بستر قربانی‌شناسی عمومی رسید (م.).

2 - victimology of the act.

منظور از «بزه‌دیده‌شناسی عمل»، همان قربانی‌شناسی کیفری است که به عمل مجرمانه و تعامل میان بزه‌دیده و بزه‌کار مربوط می‌شود و به همین اعتبار، وان دیک آن را «بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا» نیز می‌نامد (م.).

3 - victimology of action.

منظور از «بزه‌دیده‌شناسی اقدام»، همان بزه‌دیده‌شناسی مبتنی بر جنبش حمایت از بزه‌دیده‌است که وان دیک درباره آن بیشتر توضیح خواهد داد (م.).

چگونه می‌توان از « اختلال فشار روانی پس-آسیبی»^۱ پیشگیری و آن را درمان کرد؟ [کلیبر و بروم، ۱۹۹۲] اگرچه جرم‌شناسان، حقوقدانان کیفری و روان‌شناسان اجتماعی نقش مهمی در این دانش عملی (کاربردی) داشته‌اند، بیشترین نقش به روان‌پزشکان و روان‌شناسان بالینی بازمی‌گردد. «جامعه بین‌المللی مطالعات فشار روانی آسیب‌زا»^۲ تریبون بین‌المللی برای چنین پژوهش‌هایی است که روان‌پزشکان و روان‌شناسان بالینی در آن به تبادل یافته‌ها و دیدگاه‌های تحقیقی می‌پردازند.

حوزه این گونه مطالعات به بزه‌دیدگان محدود نیست. [در این مطالعات،] ماهیت دقیق رویدادهای شدیدی که فشار روانی آسیب‌زا را ایجاد می‌کنند، اهمیت کمی دارد، [بلکه در عوض،] کانون توجه روی درمان و پیشگیری از کاهش پیامدهای متضاد و معکوس متمرکز است. در مورد مسایل مربوط به بازماندگان قتل عام [یهودیان] و دیگر جنایت‌های جنگی و بهترین شیوه‌های حمایت از آنان در رویارویی با بزه‌دیدگی پژوهش‌های بیشتری انجام شده‌اند. هم‌چنین، اختلال‌های فشار روانی پس-آسیبی در میان قربانیان دیگر رخدادها یا رویدادهای طبیعی مطالعه شده‌اند. بسیاری از برنامه‌های حمایت از بزه‌دیده خدماتی را به قربانیان این قبیل رویدادها نیز ارائه می‌کنند. به همین دلیل، بزه‌دیده‌شناسی مبتنی بر حمایت از بزه‌دیده اغلب «قربانی‌شناسی عمومی» نامیده می‌شود [تا دربرگیرندگی دیگر قربانیان را افزون بر بزه‌دیدگان نیز نشان دهد]. این گرایش نه تنها بر حسب تعریف خود از قلمرو بزه‌دیده‌شناسی بلکه از جهت

1 - post-traumatic stress disorder (PTSD).

در مورد این مفهوم، بنگرید به: شایان، علی. [ترجمه]، *عدالت برای بزه دیدگان*. انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، ص. ۱۹ (م.).

2 - International Society Traumatic Stress Studies.

تمرکز بر کمک و درمان به جای تحلیلِ خاستگاهِ بزه‌دیدگی نیز متفاوت است. شعارِ زبنده‌این گرایشِ بزه‌دیده‌شناختی این است که بزه‌دیده‌شناسی نباید درصددِ تفسیرِ بزه‌دیدگان باشد بلکه باید به آن‌ها کمک کند. [از این رو،] نامِ دیگرِ این گرایشِ مطالعاتی «بزه‌دیده‌شناسیِ حمایت‌محور»^۱ خواهد بود.^۲

فرهنگِ انتقاد

قربانی‌شناسیِ عمومی نیز از انتقادهای سیاسی در امان نمانده‌است. گفته شده کسانی که از مسایل کوچک درد و رنج می‌بینند، به سادگی و بی‌درنگ مدعیِ بزه‌دیده شدن می‌شوند و این وضع پایه‌های مسؤولیتِ شخصی را سُست می‌کند. ایالاتِ متحدِ امریکا از جمله کانون‌های این فرهنگِ انتقاد بوده‌است [هیوز، ۱۹۹۳]. بسترِ این انتقاد و اعتراض از «فرهنگِ درمان‌شناسی»^۳ و «صنعتِ بزه‌دیدگی»^۴ نیز اثر می‌پذیرد. این انتقاد در حالی که شدتِ بزه‌دیدگی‌های موردِ بحث را در گفتمانِ بزه‌دیده‌شناختی درنظر می‌گیرد، بسیار نادرست است. با وجود

۱ - «assistance-oriented victimology»: یا بزه‌دیده‌شناسیِ حمایتی به تعبیر مترجم. برای آگاهیِ بیشتر از این عنوان به منزله یک گرایشِ مطالعاتی، بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسیِ حمایتی، پیشگفتارِ نویسنده، صص. ۹-۱۰؛ رایجیان اصلی، مهرداد، عدالت برای بزه‌دیدگان، صص. ۸۵-۸۶.

۲ - من [وان دیک] برای برجسته کردن تمایز این گرایشِ مطالعاتی (بزه‌دیده‌شناسیِ حمایت‌محور) با قربانی‌شناسیِ کیفری، اصطلاح «victimagogics» را، از ترکیبِ واژه لاتین «*victima*» و فعل یونانی «*agogein*» (که با واژه «*pedagogic*» به معنای آموزش - پرورشی نیز به کار می‌رود)، برای عبارتِ «بزه‌دیده‌شناسیِ حمایت‌محور» وضع کردم [وان دیک، ۱۹۸۵]. در همین راستا، متخصصانِ آموزش‌دیده حمایت از بزه‌دیده را می‌توان بزه‌دیده‌شناسانِ حمایت‌محور (victimagogues)، به جای «قربانی‌شناسان [کیفری]» (victimologists)، نامید.

3 - culture of therapeutics.

4 - victimization industry.

این، رویکرد انتقادی به زیاده‌روی‌های «بزه‌دیده‌شناسی کاربردی»^۱ بی‌گمان همواره باید پذیرفته شود. در بسیاری از کشورها، قربانی‌شناسی عمومی به شکل نهادینه‌شده‌ای با حمایت از بزه‌دیده و آرایه خدمات پیوند خورده‌است. اکنون که خدمات ویژه حمایتی از سوی سازمان‌های پُر و بال‌یافته در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته آرایه می‌شوند، گروه‌های متخصص ذینفع در معرض خطر اند. ارزیابی انتقادی از سوی پژوهشگران مستقل در ارتقای خدمات اهمیت حیاتی دارد. بزه‌دیده‌شناسانی که دارای گرایش‌های کیفری اند، ناگزیر در پیش‌فرض‌های متخصصان حمایت از بزه‌دیده سهیم نیستند و به طور معمول ممکن است مسایل «سطحی و ناپخته»ای را درباره بنیان‌های نظری و کارآمدی حمایت مورد نظر به میان آورند. آن‌ها همچنین می‌توانند به برهم زدن توازن ادعاهای گزاف گروه‌های خاص ذینفع در مورد وضع و حالت بزه‌دیده‌شدن کمک کنند.

در برخی از مطالعات بالینی درباره بزه‌دیدگان، ماهیت کیفری مسایل آنان اغلب نادیده گرفته می‌شود. [زیرا] این مطالعات بر نشانه‌های بالینی بیمار متمرکز اند. حقوق‌دانان کیفری اغلب از رویکرد پزشکی به بزه‌دیدگان استقبال می‌کنند. اگر بتوان مسایل بزه‌دیدگان را به کمک متخصصان حمایتی به شکل خرسندکننده‌ای مورد توجه و تأکید قرار داد، نظام عدالت جنایی کم‌تر به زحمت می‌افتد و می‌تواند هم و غم خود را صرف ارتباط میان بزه‌کار و دولت کند. در این صورت، هیچ نیازی به تغییر فوری مقررات آیین دادرسی کیفری نخواهد بود. وانگهی، قربانی‌شناسان کیفری، می‌توانند همسو با بزه‌دیده‌شناسان فمینیست، به منزله نیروهای مخالف ائتلاف متخصصانی که منافع عالی بزه‌دیدگان را در نظر نمی‌گیرند، عمل کنند.

۱ - «applied victimology»: تعبیر دیگر وان دیک برای بزه‌دیده‌شناسی اقدام یا بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور (حمایتی) (م.).

انتقاد شدید از بزه‌کار^۱

رفتار بهتر با بزه‌دیدگان را به سادگی می‌توان با رفتار انسانی و منصفانه با متهمان یا بزه‌کاران همساز کرد. با وجود این، در عمل، گروه‌های سیاسی پشتیبان مجازات‌های سنگین علیه بزه‌کاران در برخی از کشورها، جنبش حمایت از بزه‌دیده را از مسیر خود منحرف کرده‌اند. اغلب چنین گفته می‌شود (اگرچه هرگز به روشنی اثبات نشده‌است) که با تعیین کیفرهای سنگین می‌توان بسیاری از بزه‌دیدگان را خرسند کرد. اگر مجازات بزه‌کار برای ترمیم [عاطفی] بزه‌دیده مناسب باشد، توجه یک جانبه به بزه‌دیده می‌تواند به رویکردی سخت‌گیرانه و سزاده به بزه‌کاران بینجامد. برخلاف قربانی‌شناسی کیفری یا بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا، که به اعمال و منافع هر دو طرف توجه می‌کند، بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور ممکن است به منظور «انتقاد شدید از بزه‌کار» به کار گرفته شود. بزه‌دیده‌شناسی به منزله حوزه‌ای مطالعاتی باید از سوءاستفاده و دخالت سیاسی دور بماند.

جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی^۲

از دهه هفتاد میلادی به این سو، پیشرفت جهانی بزه‌دیده‌شناسی، به منزله رشته‌ای مطالعاتی یا حوزه‌ای علمی،^۳ پیوند نزدیکی با فعالیت‌های «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» داشته‌است.

1 - Offender-bashing.

2 - The World Society of Victimology (WSV).

۳ - هر کشوری تاریخچه بزه‌دیده‌شناختی خاص خود را دارد [بنگرید به: راک، ۱۹۸۸]. نقطه عطف پیشرفت بزه‌دیده‌شناسی در هلند کنگره‌ای با عنوان «بزه‌دیدگان» (به هلندی: *slachtoffers van delicten*) بود که در سال ۱۹۷۱ در دانشگاه نیج‌مِگِن (Nijmegen) برگزار شد. موضوع بحث اصلی کنگره این بود که آیا پیش‌بینی مقررات حمایت از بزه‌دیده لازم است؟ یکی از استدلال‌های مهم در

راستای لزوم وجود چنین مقرراتی این بود که طرح‌های حمایت از بزه‌دیده روحیه پشتیبانی و حمایت را در میان جامعه برای رفتار انسانی با بزه‌کاران افزایش می‌دهد. در پرتو این دیدگاه، کمیسیون مشورتی مجازات جرم‌های علیه اموال، که لوک هولشتن، جرم‌شناس هلندی، یکی از اعضای اصلی آن بود، راه‌اندازی صندوق کمک به همه بزه‌دیدگان را پیشنهاد کرد. این کمیسیون بر این باور بود که پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان راه را برای اتخاذ رویکردی غیرتنبیهی و حمایتی به بزه‌کاران هموار می‌کند. [البته،] دولت این پیشنهاد را نپذیرفت. ولی، تصمیم گرفته شد تا صندوق کوچکی برای حمایت از بزه‌دیدگان جرم‌های شدید خشونت‌بار در سال ۱۹۷۱ راه‌اندازی شود.

به دنبال برگزاری این کنگره، برخی از مؤسسه‌های جرم‌شناسی پژوهش‌هایی تجربی درباره بزه‌دیدگان را آغاز کردند [وآن دیک و فیسلیر، ۱۹۷۴]. این مطالعات در راستای جریان تعامل‌گرایی تاگیل و همکاران او آن‌جام شدند. برای نمونه، یکی از مسایل مهم این بود که آیا نیاز بزه‌دیدگان به سزادهی از نقشی که آنان در شتاب دادن به ارتکاب جرم ایفا می‌کنند، اثر می‌پذیرد؟

در هلند، «بزه‌دیده‌شناسی بالینی» به‌ویژه با تلاش‌های باستیانس (Bastiaans)، استاد روان‌پزشکی دانشگاه لیون، که به درمان بزه‌دیدگان [بازماندگان] قتل عام [یهودیان] می‌پرداخت، اعتبار یافت. پس از مطرح شدن چند پرونده راه‌زنی در خطوط راه‌آهن که به بزه‌دیده شدن شمار بسیاری از افراد آن‌جامید، گرایش روان‌پزشکان به مسأله بزه‌دیدگی افزایش یافت. پس از دهه هشتاد میلادی، حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه قانونی آنان کانون مطالعات بزه‌دیده‌شناسانه جرم‌شناسان هلندی نیز واقع شد. بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور سپس برای مدت‌ها به جریان غالبی در هلند تبدیل شد. پژوهشگرانی چون خرون هاینس، وان دیک و وینکلی به‌ایجاد مقرراتی برای حمایت از بزه‌دیدگان و رویکرد احترام‌محورتر پلیس و نظام عدالت جنایی نسبت به آنان پرداختند. مرکز تحقیقات و اسناد وزارت دادگستری هلند یکی از حوزه‌های سیاست‌گذاری تحقیقاتی درباره بزه‌دیده‌شناسی را در آن دوره بر عهده داشت. [البته،] در آغاز دهه ۷۰ میلادی، به کمک این مرکز آن‌جام پیمایش‌های سالانه گسترده کشوری درباره بزه‌دیدگان نیز کلید خورد. مجموعه مقالات ۱۹۸۹ با عنوان «بزه‌دیدگان» که جی. ستنهورست [J. Soetenhorst] آن‌ها را گردآوری کرد، می‌تواند به منزله پایان این دروه در نظر گرفته شود. در دهه ۹۰ میلادی، مطالعات بزه‌دیده‌شناسانه در برنامه‌های پژوهشی شمار بسیاری از دپارتمان‌های جرم‌شناسی و حقوق کیفری دانشگاه‌های مختلف مطرح شدند [ویرز، ۱۹۹۶]. موج جدید مطالعات بزه‌دیده‌شناختی کم‌تر بر سیاست‌گذاری و بیشتر بر بنیان‌های نظری متمرکز است. [هم‌چنین، در مورد وضعیت بزه‌دیده‌شناسی در هلند، بنگرید به: استولویچ، سام، نقش و موقعیت بزه‌دیدگان در نظام کیفری هلند، در: رایجیان اصلی، مهرداد [ترجمه]، سه گفتار تطبیقی در بزه‌دیده‌شناسی: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، ۱۳۸۳، صص. ۱۸۲-۱۷۷. (م.)].

جرم‌شناسانی چون *اشنایدر* و *دراپکین* «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» را در سال ۱۹۷۹ در مؤسسه آلمان ایجاد کردند.^۱ نخستین سمپوزیوم بین‌المللی که هر سه سال یک بار برگزار می‌شود، در سال ۱۹۷۳ در اورشلیم برگزار شد. نهمین سمپوزیوم [که این مقاله نیز در آن ارائه شد] نیز در آمستردام بود.^۲ *امیلیو ویانو*، جرم‌شناس آمریکایی، نیز سلسله سمپوزیوم‌هایی را در همان دوره برگزار کرد و انتشار «مجله بزه‌دیده‌شناسی» را در سال ۱۹۷۶ آغاز کرد. «مجله بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی» [نیز نشریه دیگری است] وابسته به جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی که در سال ۱۹۸۸ آغاز به کار کرد. این جامعه، هم‌چنین، خبرنامه منظمی را منتشر می‌کند.

بزه‌دیده‌شناسی را به گونه‌ای که در «جامعه بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی» نهادینه شده‌است، می‌توان چنین تعریف کرد:

«مطالعه علمی اندازه، ماهیت و علت‌های بزه‌دیدگی، پیامدهای آن بر اشخاص مربوط، و واکنش‌های اجتماعی به آن [بزه‌دیدگی] به‌ویژه پلیس و نظام عدالت جنایی و نیز مددکاران اجتماعی داوطلب و دست‌اندرکاران حمایت از بزه‌دیده». این تعریف، هم قربانی‌شناسی کیفری یا بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا و هم بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور (حمایتی) را دربرمی‌گیرد. شاید یادآوری این موضوع بد نباشد که *ناگل*، جرم‌شناس هلندی، ملاحظات دیگری در باره ایجاد یک انجمن بزه‌دیده‌شناسی مستقل داشت. به باور او، مطالعه بزه‌دیدگان باید در حوزه جرم‌شناسی باقی بماند. *مندلسون*، از سوی دیگر، در [اجلاس برپایی «جامعه

۱ - جرم‌شناسان آلمانی، *اشنایدر* و *کریشهف*، نقش مهمی در برپایی جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی ایفا کردند. *مندلسون* سالخورده نیز در اجلاس برپایی این جامعه شرکت کرد. *وان دیک* نیز در آن اجلاس، با اشاره به دیدگاه‌های *ناگل*، تردید خود از ضرورت ایجاد یک سازمان مستقل را ابراز داشت.

۲ - دوازدهمین سمپوزیوم در سال ۲۰۰۷، در آرلاندو، فلوریدای ایالات متحده آمریکا، برگزار شد و سیزدهمین سمپوزیوم نیز در سال ۲۰۰۹ در مینوی ژاپن برگزار خواهد شد (م.).

جهانی بزه‌دیده‌شناسی»]. در مؤسسه به روشنی از یک قربانی‌شناسی عمومی و چندرشته‌ای به منظور تریبونی سیاسی برای کاهش درد و رنج‌های بشری سخن می‌گفت.

در سمپوزیوم‌های سه‌سالانه «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی»، بحث درباره اهداف، قلمرو و موضوع «victimology»^۱ ادامه پیدا کرد. در سومین و چهارمین سمپوزیوم، گرسی جرم‌شناس، برای نمونه، از تمایز آشکار میان بزه‌دیده‌شناسی علمی^۲ و بزه‌دیده‌شناسی انسان‌گرایانه^۳ سخن گفت [گرسی، ۱۹۸۸]. با گذشت سال‌ها، توافقی ضمنی مبنی بر ارتباط میان بزه‌دیده‌شناسی، به منزله رشته‌ای دانشگاهی، و جنبش بزه‌دیده «خدمات/اقدام‌محور»^۴ یا جنبش بزه‌دیده «سیاست‌محور»^۵ حاصل شد. در حالی که «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» انجمنی برای پیشبرد پژوهش‌های علمی تخصصی است و باید از موضع‌گیری‌های سیاسی پرهیز کند، مسلم شده‌است که بیشتر پژوهش‌های بزه‌دیده‌شناختی دلالت‌های چشمگیری برای حمایت از بزه‌دیده داشته و این پژوهش‌ها تا اندازه‌ای به همین دلیل آن‌جام شده‌اند.

[بر همین پایه،] «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» در تصویب «اعلامیه سازمان ملل درباره اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت»^۶ نقش مؤثری داشته‌است. هم‌چنین، این انجمن نقش فعالی در اجرای این

۱ - بنگرید به پانوشته مربوط به عنوان «بزه‌دیده‌شناسی: پنجاه سال پیوسته» (م.).

2 - Scientific victimology.

3 - Humanistic victimology.

4 - Service/action-oriented victims' movement.

5 - Policy-oriented victims' movement.

۶ - در مورد این اعلامیه، بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ صص. ۱۴۲-۱۷۷؛ رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در پرتو اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای

اعلامیه (برای نمونه، در انتشار دو کتابچه «راهنمایی برای سیاست‌گذاران»^۱ و «عدالت برای بزه‌دیدگان»^۲) ایفا کرده‌است.

موضوع کنفرانس آمستردام (حمایت از بزه‌دیدگان: نقش جامعه و متخصصان) نیز شاهد این مدعاست. بزه‌دیده‌شناسی، حتا بیش از جریان غالب جرم‌شناسی کنونی، یک حوزه مطالعاتی اقدام/سیاست‌محور است. بسیاری از پژوهشگران پیش‌تاز در این حوزه در راه‌اندازی یا گسترش سازمان‌های حمایت از بزه‌دیده نقش دارند یا داشته‌اند. همین‌طور، بسیاری از کسانی که در این سازمان‌ها کار می‌کنند، زمینه یا گرایش شدیدی به‌اطلاعات واقعی درباره‌اثر خدمات این سازمان‌ها دارند. بسیاری از دست‌اندرکاران سازمان‌های حمایت از بزه‌دیده سخنرانی‌ها یا مقاله‌هایی درباره رویدادها و پیشرفت‌های رخ داده در سازمان‌شان ارائه می‌دهند که دارای جهت‌گیری علمی نیز هستند. در «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی»، آمیزه نظریه و سیاست‌گذاری به‌طور کلی مثبت و راه‌گشا ارزیابی می‌شود و این ویژگی می‌تواند به تبیین مقبولیت بزه‌دیده‌شناسی نزد دانش‌جویان و دانش‌پژوهان کمک کند.

یکی دیگر از جنبه‌های سنتی بحث و جدل‌ها این است که آیا «victimology»^۳ باید خود را به بزه‌دیدگی در مفهوم رسمی [حقوقی/قانونی] آن محدود کند یا

بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، مجله پژوهش‌های حقوقی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش)، شماره ۷، ۱۳۸۴، صص. ۲۹-۵۳ (م.).

1 - Guide for Policy Makers on the Implementation of the United Nations Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power; UN ODCCP, Centre for International Crime Prevention, New York, 1999.

۲ - برای دیدن ترجمه پارسی این کتابچه، بنگرید به: شایان، علی [ترجمه]، *عدالت برای بزه‌دیدگان*، (م.).

۳ - بنگرید به: پانوش‌مربوط به عنوان «بزه‌دیده‌شناسی: پنجاه سال پیوسته» (م.).

باید تعریف‌های گسترده‌تری را بر پایه قربانی‌شناسی عمومی بپذیرد که قربانیان نقض‌های حقوق بشری، دیگر رخدادهای و [حتی] رویدادهای طبیعی را نیز دربرگیرد؟ دانشور سیاسی، رابرت الیاس [الیاس، ۱۹۸۵] و دیگران اغلب از گذشته چنین می‌گفته‌اند که بزه‌دیده‌شناسی موضوع خود را نه با توجه به حقوق کیفری، بلکه با توجه به حقوق بشر، باید تعریف کند. از این دیدگاه، بزه‌دیده‌شناسی باید پیامدهای انسانی نقض‌های حقوق بشری را، که شهروندان یا حکومت‌ها مرتکبان آن‌اند، مطالعه کند.^۱

به باور سپارویچ، بزه‌دیده‌شناسی باید تعریف‌های خود را به بزه‌دیدگان نقض‌های حقوق بشری نیز بگستراند. [ولی،] قربانیان رویدادهای طبیعی نباید در این حوزه گنجانده شوند، زیرا قربانی شدن برخاسته از آن‌ها را نیروهای طبیعی بیرون از اراده‌انسان تعیین می‌کنند. اگرچه برخی از سازمان‌های حمایت از بزه‌دیده‌خدماتی را به قربانیان رویدادهای طبیعی نیز می‌رسانند، عقیده سپارویچ، دست کم هم اکنون، گرایش غالب «جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی» به نظر می‌رسد. سمپوزیوم آمستردام، به مسأله قربانیان رویدادهای طبیعی پرداخت. تعریف قربانی‌شناسی عمومی به‌طور کلی برای قرار گرفتن در قلمرو علمی، بسیار گسترده به نظر می‌رسد. با وجود این، نقض‌های حقوق بشری، هم اکنون،

۱ - افزون بر جرم‌های متداولی که در حقوق کیفری جرم‌انگاری شده‌اند و مرتکبان آن‌ها را شهروندان تشکیل می‌دهند، هم‌چنان که خود نویسنده نیز در سطرهای بعدی توضیح خواهد داد، بخش مهمی از نقض‌های حقوق بشری مورد بحث عبارت‌اند از سوء استفاده‌های قدرت‌مداران و کارگزاران حکومتی از قدرت سیاسی و اقتصادی خود که هرچند ممکن است در حقوق داخلی جرم انگاشته نشده باشند، در حقوق بین‌المللی کیفری جرم‌انگاری شده‌اند. بر همین پایه، «victimology» بر پایه مفهوم سوء استفاده از قدرت نیز با معنای بزه‌دیده‌شناسی (قربانی‌شناسی کیفری وان دیک) هماهنگ است. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد، جرم‌انگاری سوء استفاده از قدرت در پرتو تعامل نظام حقوق بشر و حقوق کیفری، رساله برای دریافت درجه دکترا در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵ (م.).

بی‌گمان یکی از مسایل اصلی و مهم بزه‌دیده‌شناسی به شمار می‌رود. در واقع، یک روز کامل از سمپوزیوم آمستردام به «بزه‌دیدگان سوء استفاده از قدرت» اختصاص داده شد، و بیش از سی مقاله در این زمینه به سمپوزیوم ارسال شد. «جامعه جهانی بزه دیده شناسی»، «اعلامیه سازمان ملل درباره اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» (مجمع عمومی، نوامبر ۱۹۸۵) را به منزله چارچوب مبنا پذیرفته است. موضوع اصلی بزه‌دیده‌شناسی را بر پایه این اعلامیه می‌توان چنین تعریف کرد:

«بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو از جمله، قوانینی که سوء استفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند- به شکل فردی یا گروهی به آسیب از جمله، آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند».

این تعریف به نسبت جای بحث دارد. قلمرو بزه‌دیده‌شناسی گسترده‌تر خواهد شد اگر شکل‌های دیگری از خشونت و سوء استفاده از قدرت زیر پوشش قوانین و رویه‌های ملی یا بین‌المللی کیفری قرار بگیرند.

فراسوی سمپوزیوم آمستردام

سمپوزیوم آمستردام با شرکت ششصد و چهل نفر از شصت و هفت کشور برگزار شد. دویست و پنجاه و چهار مقاله در این سمپوزیوم ارائه شد. برنامه علمی سمپوزیوم شامل چهار بخش بود. در روز نخست، سخنرانی‌ها و مقاله‌های اصلی درباره ارزیابی بزه دیدگی از گذر تحقیق‌های پیمایشی ارائه شدند. پیمایش‌های بزه‌دیدگی، که در سطح محلی یا ملی در میان عموم مردم یا

گروه‌های خاصی اجرا می‌شوند، ستون فقرات بزه‌دیده‌شناسی تجربی-کمی^۱ را می‌سازند. روز دوم به طور عمده به منشور حقوق بزه‌دیدگان و موضوع کلی‌تر سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار اختصاص داشت. هم‌چنان که انتظار می‌رفت، اختلاف نظرهایی، برای نمونه درباره نقش مناسب بزه‌دیدگان در آیین دادرسی کیفری، به وجود آمدند [سیا، ۱۹۹۶]. عنوان سومین روز «مسایل و گرایش‌های حمایت از بزه‌دیده» بود. در این بخش نیز دستاوردهای جنبش حمایت از بزه‌دیده‌از دیدگاه‌های گوناگون موافق و مخالف به بوته‌ازمایش گذاشته شدند. سرانجام، موضوع اصلی روز چهارم به «بزه‌دیدگان سوء استفاده از قدرت و جنایت‌های جنگی» اختصاص پیدا کرد.

با برگزاری این سمپوزیوم و کمک پژوهشگرانی از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، بزه‌دیده‌شناسی اعتبار خود را تثبیت کرد. در این کشورها، بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور (حمایتی) هنوز مراحل آغازین خود را می‌گذرانند. چالش‌های پیش‌روی پیدایش یک جنبش حمایت از بزه‌دیده [در این کشورها] در بازار آزادی که در آن مقررات دولت‌محور محدود اند، دلهره‌آور و نگران‌کننده‌اند و نیازی جدی به تبادل اطلاعات در بهترین سطح خدمات‌رسانی احساس می‌شود. حوزه گسترده‌ای برای همکاری فنی و طرح‌های اقدام میان-فرهنگی^۲ وجود دارد. [در این کشورها،] دانش قربانی‌شناسی عمومی یا

1 - empirical-quantitative victimology.

بر همین پایه، برخی از جرم‌شناسان این گرایش سستی را بزه‌دیده‌شناسی اثباتی-تحقیقی [positivist victimology] یا بزه‌دیده‌شناسی علمی (یعنی، علم مبتنی بر مشاهده، آزمون-خطا و تجربه) نامیده‌اند (م. بنگرید به:

-Spalek, basia, *Crime victims: theory, policy and practice*, 2002, palgrave macmillan.

2 - cross-cultural action research,

بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور (حمایتی) [در مقایسه با قربانی‌شناسی کیفری یا بزه‌دیده‌شناسی تجربی (اثباتی-تحقیقی)] خریدار بیشتری دارد. مطالعات مربوط به جنسیت ممکن است به برخی پژوهشگران غربی احساس آشناپنداری بدهد. ولی، جرم‌شناسان کشورهای در حال توسعه و کمونیستی سابق از گذشته به‌این موضوع‌ها نپرداخته‌اند. در این کشورها این موضوع‌ها ضرورت تازه‌ای را اقتضا می‌کنند. همچنین، موج تازه‌ای از مطالعات گسترده تجربی درباره مسایل جنسیت در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به چشم می‌خورد. شکل‌های آشکار و پنهان خشونت علیه زنان و دختران موضوعی است که اهمیت بزه‌دیده‌شناختی خود را در سراسر جهان حفظ خواهد کرد.

به باور بسیاری از شرکت‌کنندگان، جالب‌ترین مقاله‌های نظری ارائه‌شده در سمپوزیوم را موضوع «تکرار بزه‌دیدگی»^۱ تشکیل می‌دادند [اسکگین و وینکل، در همین مجموعه^۲]. مجموعه رو به رشد فزاینده‌ای از دانش‌ها درباره این پدیده که بخش به نسبت کوچکی از مردم اغلب به شکل نامتناسبی بزه‌دیده می‌شوند، وجود دارند. بدین‌سان، این نگرش جرم‌شناسانه که گروه کوچکی از بزه‌کاران حرفه‌ای در بخش چشمگیری از مجموع جرم‌های ارتكابی درگیراند، نسخه مشابهی در بزه‌دیده‌شناسی پیدا کرده‌است. از این رو، «آمدگی یا استعداد بزه‌دیده»^۳ که بیش و کم به تابویی در دو دهه گذشته^۱ تبدیل شده بود،^۲ بار دیگر

1 - Repeat victimization.

اگرچه این اصطلاح را در نوشتگان پارسی بزه‌دیده‌شناسی اغلب «بزه‌دیدگی مکرر، مجدد یا دوباره» ترجمه کرده‌اند، به نظر می‌رسد که برابر نهاده برگزیده‌شده در متن با اصطلاح تکرار جرم در نوشتگان پارسی حقوقی هماهنگ‌تر است. در مورد این اصطلاح و نیز اصطلاح همتای آن (revictimization) بنگرید به: رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، ص. ۱۹۶ (م.).

۲ - منظور، مجموعه‌ای است که مقاله حاضر نیز در آن به چاپ رسیده‌است [م.].

3 - victim proneness.

در سرلوحه تحقیق‌های بزه‌دیده‌شناختی قرار گرفته است. هم‌چنین، بازگشتی به مفهوم بسیار بحث‌برانگیز «نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده»^۴ [در فرایند ارتکاب جرم] به چشم می‌خورد. هم‌اکنون، پژوهشگران فمینیست قتل‌های ارتكابی از سوی مردان را به منزله پاسخی به بدرفتاری‌های بلندمدت این یاران قدیمی مطالعه می‌کنند. پشتیبانان بزه‌دیده‌این نگرش‌ها را به منزله دلیلی برای دفاع از مردان مرتکب به کار می‌برند. [بدین‌سان،] بزه‌دیده‌شناسی، در برخی از جنبه‌ها، به خاستگاه خود بازگشته است.

هم‌چنان که پیش‌تر گفته شد، یک روز کامل سمپوزیوم به بررسی نقض‌های حقوق بشری اختصاص یافت. مقاله‌های مهمی در این زمینه از افریقای جنوبی، بوسنی-هرزگوین، و امریکای لاتین ارایه شدند. جالب این‌که برخی از موضوع‌های کلاسیک قربانی‌شناسی کیفری (مانند ضرورت جبران خسارت، و سازش طرف‌های درگیر در جرم) سرلوحه تحقیق‌های بزه‌دیده‌شناختی مربوط به این نقض‌ها قرار گرفت. [در نتیجه،] به نظر می‌رسد که قربانی‌شناسی کیفری یا بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا وارد دوره تازه‌ای از شکوفایی خود شده است.

این گرایش که در سمپوزیوم آمستردام خودنمایی کرد، می‌تواند نشانه خوبی برای پیدایش بزه‌دیده‌شناسی نوینی مبتنی بر پیوند میان قربانی‌شناسی کیفری، بزه‌دیده‌شناسی تعامل‌گرا، قربانی‌شناسی عمومی، و بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور (حمایتی) باشد. [البته،] جدا شدن بزه‌دیده‌شناسی از جرم‌شناسی، به منزله یک حوزه مطالعاتی نیمه‌مستقل، خطرهای بسیاری به همراه دارد. به نظر می‌رسد که

۱ - با توجه به زمان انتشار مقاله، یعنی ۱۹۹۹ (م.).

۲ - منظور همان رویکرد نخستین بزه‌دیده‌شناسی (یعنی، سرزنش بزه‌دیده) است که وان دیک در آغاز این مقاله به تبیین آن پرداخته بود (م.).

3 - victim precipitation.

پیشرفت‌های انجام‌شده تاکنون، ایجاد سازمان مستقلی برای پژوهش‌های بزه‌دیده‌شناختی را توجیه کرده‌اند. امروزه، ثابت شده‌است که بزه‌دیده‌شناسی می‌تواند میعادگاه سودمندِ روشنگرانه‌ای برای پژوهشگران رشته‌های مطالعاتی و مکتب‌های نظری گوناگون باشد.

ارجاع ها:

1. Amir, M. (1971), *Patterns of forcible rape*, Chicago: University of Chicago Press.
2. Boutellier, H. (1993), *Solidariteit en slachtofferschap: De morele betekenis van criminaliteit in een postmoderne cultuur*, Nijmegen: SUN.
3. Cressey, D.R. (1988), Research implication of conflicting conceptions of victimology, In: Z.P. Separovic (Ed.)
4. Dijk, J.J.M. Van and Fiselier, J.P.S. (1974), *Studies in victimology*. Nijmegen: Institute of Criminology.
5. Dijk, J.J.M. Van and Steinmetz, C.H.D. (1984), The Burden of Crime in Dutch Society, 1973-1979, In: R. Block (Ed.), *Victimization and Fear of Crime: World Perspectives* (pp. 29-43), Washington, D.C: United States Department of Justice, Bureau of Justice Statistics.
6. Dijk, J.J.M. van (1985), *Regaining a sense of community and order*. General Report and conclusions of the conference. In: Research on victimization 16th Criminological Research Conference, Strasbourg, 26-29 November 1984, Strasbourg: Council of Europe, pp. 143-168.
7. Drapkin, I. and Viano, E. (Eds.), (1974), *Victimology*. Lexington, MA: D.C. Heath.

8. Elias, R. (1985), Transcending our social reality of victimization: Toward a new victimology of human Rights, *Victimology, an International Journal*, vol. 10, nos. 1/4, pp. 6-25.
9. Fattah, Ezzat A. (1986), *From crime policy to victim policy*, London: MacMillan.
10. Fattah, Ezzat A. (1992), *Towards a critical victimology*. London: MacMillan.
11. Hoffman, H. (1992), What did Mendelsohn really say? In: S.B. David and G.F. Kirchhoff (Eds.), *International faces of victimology: Papers and essays given at the Vith International Symposium on*
12. *Victimology in Jerusalem 1988*, Monchengladbach: WSV Publishing, pp. 89-104.
13. Hughes R. (1993), *Culture of Complaint: the Fraying of America*, Oxford University Press, New York and Oxford, 1993.
14. Joutsen, M., (1987), *The role of the victim of crime in European criminal justice systems*. Helsinki: HEUNI.
15. Kleber, R.J. and D. Brom in coll, with P.B. Defares (1992), *Coping with trauma: Theory, prevention and treatment*, Lisse: Swets en Zeitlinger.
16. Maguire, M. and C. Corbett (1987). *The Effects of Crime and the Work of Victim Support Schemes*.
17. Aldershot: Gower.

18. Mendelsohn, B. (1956). A new branch of bio-psychological science: La victimology. *Revue Internationale de Criminologie et de Police Technique*, no. 2.
19. Nagel, W.H. (1959). Victimologie. *Tijdschrift voor Strafrecht*, vol. 68.
20. Nagel, W.H. (1963). The notion of victimology in criminology. *Excerpta Criminologica*, vol. 3, pp. 245-247.
21. Roberts, A.R. (1990). *Helping crime victims*. Newbury Park, CA: Sage.
22. Rock, P. (1988). *Governments, victims and policies in two countries*, British Journal of Criminology, vol. 28, no. 1, pp. 44-66.